

استفان شارف

عناصر سینما

دربارهٔ نظریهٔ تأثیر زیبایی شناسی سینمایی

ترجمهٔ محمد شهاب و فریدون خامنه‌پور



www.ketab.ir

سرشناسه: شارف، استفان. Sharff, Stefan

عنوان و نام پدیدآور: عناصر سینما/ استفان شارف؛ ترجمه محمد شهباء، فریدون خامنه‌پور

مشخصات نشر: تهران: هرمس، ۱۳۹۹.

مشخصات ظاهری: ده + ۱۵۸ ص. مَصور.

شابک: ۹۷۸-۹۶۴-۳۶۳-۱۰۳-۱

وضعیت فهرست‌نویسی: فیبا

یادداشت: عنوان اصلی: The Elements of Cinema: Toward a theory of cinesthetic Impact

موضوع: فیلم‌نامه‌ها -- تاریخ و نقد

موضوع: فیلم‌برداری

شناسه افزوده: شهباء، محمد، ۱۳۴۳ - مترجم.

شناسه افزوده: خامنه‌پور، فریدون.

رده‌بندی کنگره: ۱۳۸۱ ع ۹ ۲ ش / ۱۹۹۵ PN

رده‌بندی دیویی: ۷۹۱/۴۳۰۱

شماره کتابشناسی ملی: ۸۱-۱۹۱۴۲ م

www.ketab.ir

عناصر سینما
استفان شارف

ترجمه محمد شهباز و فریدون خامنه‌پور

این کتاب ترجمه‌ای است از:

The Elements of Cinema, Steffan Sharff, Columbia University Press 1982

Translated into Persian by M.shahba (2002)

طراح جلد: حبیب ایلون

چاپ دهم: ۱۳۹۹

تیراژ: ۵۵۰ نسخه

چاپ: رسام

همه حقوق محفوظ است.

تهران، خیابان ولی عصر، بالاتر از میدان ونک، شماره ۲۴۹۳ - تلفن: ۸۸۷۹۵۶۷۴



فهرست

یادداشت مترجم بر چاپ دوم	نه
یادداشت مترجم بر چاپ نخست	بازده
دربارۀ نویسنده	سیرده
پیشگفتار	۱
۱. دربارۀ ساختارهای سینمایی	۵
۲. دربارۀ نحو سینمایی	۱۹
۳. طرح اصلی	۳۱
۴. جداسازی	۵۳
۵. رویداد موازی	۷۷
۶. تصویر آشنا	۹۹
۷. افشای تدریجی	۱۱۱
۸. حرکات زیبایی‌شناختی سینمایی (حرکت دوربین و حرکت بازیگران)	۱۲۳
۹. زوایای گوناگون	۱۳۱
۱۰. قاعده‌نمای مادر	۱۴۵
۱۱. هماهنگ‌سازی	۱۵۵
نتیجه	۱۵۷

یادداشت مترجم بر چاپ دوم

این کتاب اندکی پس از انتشار به صورت کتاب درسی برخی از دروس رشته سینما درآمد، بویژه درسهای رشته کارگردانی. اقبال دانشجویان و دست‌اندرکاران سینما از این کتاب مایه خوشوقتی است. از همین روست که در این چاپ ترجمه را دوباره با متن اصلی مطابقت داده‌ایم، بسیاری از جمله‌ها را بازنویسی کرده‌ایم و به جای بسیاری از واژگان عربی برابره‌های فارسی آورده‌ایم، چندان که چاپ کنونی به ترجمه دوباره نزدیک است.

آوردن چند جمله‌ای درباره این کتاب و روش کار شارف خالی از سودمندی نیست. دیدگاه شارف به عناصر ساختاری سینما — که وی در هشت گروه می‌گنجاند — در بنیاد نگرشی شکل‌گراست، هر چند آن را با ساختارگرایی نحوی (نه ساختارگرایی معنایی) نیز در هم می‌آمیزد. به دیگر سخن، وی بیشتر به ویژگیهای شکلی نماها و چگونگی پیوندشان به یکدیگر می‌پردازد تا به معنایی که از آن نماها برمی‌آید. از همین روست که وی نه به تأویل و تفسیر رویدادها که به چگونگی نمایش آنها بر پرده توجه دارد، و این را در گرو کاربرد درست عناصر ساختاری سینما می‌داند. شارف هر چند سینما را نوعی زبان می‌داند ولی این مقایسه را چندان پیش نمی‌برد که، همچون کریستین متر، سینما را تقریباً همانند زبان کلامی بیندارد، و کاربرد اصطلاحاتی زبان‌شناختی همچون نحو، قواعد کنش، و قواعد توانش نه بر یکسانی سینما و زبان بلکه بر ساز و کار درونی سینما استوار است که دست کم برای ارتباط قواعدی را به کار می‌گیرد که اگر سینما را نوعی زبان بدانیم کاربردشان توجیه می‌شود.

نکته دیگر آن است که هر چند شارف به اندیشه‌های برخی از نظریه‌پردازان سینما اشاره می‌کند ولی این کتاب وجه نظری‌اش بسی کمتر از جنبه کاربردی است. توجه شارف به کارکرد عملی عناصر ساختاری سینما بویژه به کار کسانی خواهد آمد که در پی راه‌حلهایی برای دشواریهای عملی فیلمسازی اند تا گفت‌وگوهای نظری. با این همه، نکته‌هایی نظری که شارف گاهی آورده است این اثر را به تشریح نظریه‌ای عملی مانند می‌سازد. زیرا باید توجه داشت که سخن نویسنده در هر حال نوعی نظریه است، و این از نام کتاب نیز برمی‌آید.

نظریه‌ای که شارف طرح می‌کند بر این استوار است که تبیین کند تأثیر زیبایی‌شناسی ویژه سینما چه

سرچشمه‌هایی دارد و ساز و کارشان کدام است. نیز وی بر آن است تا نشان دهد بهترین جایی که می‌توان این ساز و کار را سراغ کرد آثار بزرگان سینماست، آثاری که غبار زمان بر آنها ننشسته و تازگی‌شان را همچنان در خود نهفته دارند. شارف تلویحاً چنین می‌رساند که این شاید در گرو کاربرد درست عناصر ساختاری سینما باشد. دقت و موشکافی شارف در تجزیه و تحلیل این عناصر زیبایی کم‌مانندی دارد. برای نمونه نگاه کنید به تحلیل فصل پلکان اودسا از فیلم رزمناو پوتمکین که ریزبینی شارف در توجه به جزئیات و تقسیم فصل بر پایه درونمایه مادر و نیز ویژگیهای گرافیکی نماها آن را به تحلیلی خواندنی و بسیار آموزشی تبدیل کرده است.

نویسنده برای تبیین چگونگی عملکرد برخی از عناصر سینما واژگانی را به کار می‌برد که سالها در کلاس درسش به کار گرفته است. از آنجا که شاید این واژگان برای خواننده نامفهوم بنماید آنها را در پی‌نوشتها توضیح داده‌ایم، برای نمونه اصطلاح ماشه - شلیک. در پایان، از همه کسانی که در انتشارات هرمس به چاپ دوم این کتاب یاری رساندند، بویژه جناب آقای ساغروانی سپاسگزارم.

محمد شهباز

بهمن ماه ۱۳۸۱ - تهران